

An Introduction to the Challenges of Decision-making in Governing Institutions in Iran (The State, as a Case Study)

**Hamid Reza Rahmanizade
Dehkordi** * 

Associate Professor, Department of Political
Science, Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran

Abstract

Political decisions usually affect a large number of people but the point is to what extent these decisions are justified and verified, and to what extent, they have gone through the correct decision-making mechanisms. The negative consequences of some of these decisions have been motivating many researchers to figure out where the problem comes from. However, the problem is that most of these researchers have seen them in a suspended, abstract, and isolated way. The purpose of this article is, first of all, to provide criteria for evaluating these decisions, and in the next step, to identify the most important challenges of the government's political decision-making. In the third step, it tries to provide examples of these challenges with regard to the provided indicators, and then to show the relationship which they are related to the issue of "accountability" and their ultimate relationship with the gap between the government - the nation, and the weakness of the civil society. The research method in this article is descriptive-analytical and gathering data is based on documents, finally, statistical samples have been used to examine the process of several important political decisions. The specific finding of this article is that political decision-making is a multifaceted and complex phenomenon whose transparency, verification, and justification are closely related to the question of accountability and finally democratic mechanisms, and the existence of strong civil forces and political parties.


Keywords: Political Decision-Making, Transparency, Verification, Accountability, Nation-State Cleavage.

* Dehkordi@atu.ac.ir

How to Cite: Rahmanizade Dehkordi, H. R. (2022). An Introduction to the Challenges of Decision-making in Governing Institutions in Iran (The State, as a Case Study). *State Studies*, 8(30), -. doi: 10.22054/tssq.2022.70099.1325



پیش‌درآمدی بر آسیب‌شناسی تصمیم‌گیری در نهادهای حاکمیتی با تأکید بر دولت

حمیدرضا رحمانی زاده‌دهکردی *  دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

تصمیمات سیاسی، معمولاً بر حیات سیاسی اجتماعی ما تأثیرات شگفتی برجای می‌گذارند اما نکته این است که آنها به چه میزان راستی‌آزمایی شده و موجه‌اند. پیامدهای منفی برخی از این تصمیمات، گاه چنان بوده که پژوهشگران بسیاری را به جستجو مشکل برانگیخته است. بنابراین، تلاش‌های صورت گرفته و آسیب‌های چندی نیز شناسایی شده اما مساله این است که اغلب این پژوهش‌ها، بخشی از این آسیب‌ها را به شیوه‌ای انتزاعی دیده‌اند. نویسنده این مقاله ضمن اذعان به بهره‌گیری از این پیشینه غنی، مدعی است که همه این آسیب‌ها «نشانگان» چیز عمیق‌تر دیگری هستند. بنابراین هدف نخست، ارائه سنجه‌هایی برای ارزیابی این تصمیمات بوده و در مرحله بعد، شناسایی مهمترین آسیب‌های تصمیم‌گیری سیاسی دولت، در قدم سوم ارائه مصادیقی از این آسیب‌ها و سپس نشان دادن ارتباط آنها با مساله «پاسخگویی» و مشخص کردن نسبت آنها با شکاف دولت و ملت و ضعف جامعه مدنی در فرجام‌نهایی است. روش پژوهش ما، توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری داده کتابخانه‌ای است. نمونه‌های آماری، بررسی فرایند چند تصمیم مهم سیاسی بوده است. یافته این مقاله این است که تصمیم‌گیری‌های سیاسی، پدیده‌هایی پیچیده هستند که شفافیت و راستی‌آزمایی آنها ربط وثیقی به مساله پاسخگویی و در نهایت سازوکارهای دموکراتیک دارد. روشن است که این یافته، از یک سو تکمیل‌کننده یافته دیگر پژوهشگران است که برخی از این آسیب‌ها را به شیوه متزوع و علی‌حده دیده‌اند و از سوی دیگر، با گشودن دریچه‌ای نظری، ایده‌ای را مطرح کرده که بر اساس آن، سزاست که پدیده‌هایی از این دست را، از چشم‌اندازهای وسیع‌تری بنگریم.

واژگان کلیدی: تصمیم‌گیری سیاسی، دولت، شفافیت، راستی‌آزمایی، پاسخگویی، شکاف ملت دولت

مقدمه

تصمیم‌گیری و سازوکارهای آن پدیده مهمی به شمار می‌آید به‌ویژه وقتی که پیامدهای آن دامن‌گیر تعداد بسیاری از افراد می‌شود. تصمیم‌گیری‌های سیاسی از آن دست تصمیمات هستند که تأثیرات زیادی، خواسته و ناخواسته، برجای می‌گذارند و پیامدهای آنها گاهی آن قدر زیاد است که مشروعیت و مقبولیت آن نهاد تصمیم‌گیر و یا حتی نظام سیاسی را متأثر می‌سازند. بنابراین، این تصمیمات نه تنها از منظر ذی‌نفعان و مخاطبان بلکه از چشم پژوهشگران علوم سیاسی و علوم اجتماعی رصد گردیده و درباره آنها گفت-وگو و پژوهش‌های بسیاری انجام شده است.

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر پژوهش‌های متعددی در این باره انجام شده، چه ضرورتی برای پژوهش مجدد در این زمینه است. نکته نخست در پاسخ به این پرسش این است که پدیده‌های سیاسی اجتماعی، پدیده‌های پیچیده‌ای هستند که فهم و درک درست و عمیق آنها، نیازمند کنکاش بسیار از زوایای مختلف و بررسی علل گوناگون است. دومین نکته این است که درباره تصمیم‌گیری سیاسی و آسیب‌شناسی آن در کشور ما، بر خلاف کشورهای دیگر پژوهش‌های اندکی انجام شده است. نکته سوم این است که پژوهش‌های انجام شده غالباً به شیوه انتزاعی و جزیره‌ای به آسیب‌های فرایندهای سیاستگذاری و قانونگذاری پرداخته‌اند و در بهترین حالت نشانگان یا سندرم^۱ آن آسیب را برملا کرده‌اند اما نگفته‌اند که آن نشانگان حاصل چیست و آخرین و البته مهمترین نکته اینکه این پژوهش‌ها در کشور ما نتوانسته‌اند پدیده تصمیم‌گیری را در «چارچوب نظری» وسیع‌تر گذاشته و از منظر بالاتری آن را ببینند.

بدین‌سان در این مقاله ما نخست به بررسی ادبیات موجود درباره‌ی برخی از آسیب‌های تصمیم‌گیری در ایران می‌پردازیم. سپس محاسن و ایرادات آن را پژوهش برمی‌شماریم. سپس به نگاه خود به تصمیم‌گیری و روش‌های تصمیم‌گیری و معیارهای تصمیم‌گیری اشاره خواهیم کرد. بعد مصادیقی از تصمیم‌گیریهای سیاسی و آسیب‌های اساسی آنها را ذکر خواهیم کرد و در پایان به نکته می‌پردازیم که چگونه می‌توان از یک چشم‌انداز

تئوریک خاص، این پدیده را بهتر و موجه‌تر توضیح داد و راهکار/راهکارهای عملی برای آن‌ها یافت.

بررسی ادبیات موجود

چنان‌که گفتیم، درباره‌ی تصمیم‌گیری و فرایندهای تصمیم‌گیری دولت و آسیب‌شناسی آن به شیوه‌ای که در این جا آمده، پژوهش و مقاله‌ای منتشر نشده است اما در عوض به شیوه‌ای غیر مستقیم، آنجا که بحث سیاستگذاری مطرح شده، با انبوه مقالات روبرو هستیم که فراتحلیل/فرا ترکیب آنها خود می‌تواند انگیزه پژوهش / پژوهش‌های متعددی را بوجود دارد و برای این حوزه بسیار سودمند باشد. یکی از مشکلات این پژوهش‌ها چنانکه پیشتر هم اشاره کردیم فقدان یک سازوکار نظری و عملی برای تجمیع یافته‌های این پژوهش‌ها و شکل‌دهی یک نظام آگاهی و علمی است تا راهنمای ما برای اصلاح نظام تصمیم‌گیری دولتی باشد. افزون بر این، مشکل مهم دیگر، چنانکه در ادامه خواهیم دید، فقدان سازوکار مناسب برای واداشتن نهادهای حاکمیتی به پاسخگویی و چند و چون در تصمیمات و پیامدهای آنها و فقدان بازخوردهای مناسب مدنی و سیاسی است. حال در این مقاله اجازه دهید که به سوابق برخی از این پژوهش‌ها اشاره کنیم تا جایگاه این مقاله و بحث ما بیشتر مشخص شود. مرتضی مقتدائی در رساله دکتری خود، که جانمایه‌ی آن را در مقاله‌ای منتشر کرده، به آسیب‌شناسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی پرداخته است به برخی از موارد کلی این آسیب‌ها از جمله تعارض بین منافع ملی و مصالح دولتی، فقدان مطالعات نظری و پژوهشی برای سیاستگذاری، رادیکالیسم در تصمیمات کوتاه مدت و روزمرگی در تصمیمات بلند مدت، خلط اهداف کلان با سیاست‌ها عملی، تصمیم‌گیرهای گوناگون نهادهای فرهنگی، فقدان نظام یکپارچه آماری اشاره کرده است. (مقتدائی و ازغندی، ۱۳۹۵، ۷-۲۶) حمیرا مشیرزاده در مقاله‌ای بسیار آموزنده با نام آسیب‌شناسی سیاستگذاری خارجی: مبانی نظری، بر اساس سه دیدگاه واقع‌گرایی، نگرش دیوان‌سالارانه و در فرجام رویکرد اداری، به بررسی آسیب تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران می‌پردازد. به نظر او مورگنتا به عنوان واقع‌گرایی کلاسیک، به مجموعه عواملی ادراکی (ارزیابی‌های نادرست از قدرت وایدئولوژی) و احساسی (فشار افکار عمومی) به عنوان عواملی که مانع واقع‌گرایی در

سیاست خارجی - به مثابه تعقیب عقلانی منافع ملی در چارچوب قدرت ملی - می‌شوند می‌پردازد. بنابراین می‌توان گفت که او منابع انحراف از عقلانیت را در ورود عناصری ذهنی می‌بیند. در نگرش دیوان‌سالارانه نکته این است که رقابت نهادهای ناهمگون و تصمیم‌گیری‌های متعارض از آسیب‌های مهم تصمیم‌گیری به حساب می‌آید و در این میان، نگرش ادراکی به نظر نویسنده، بهترین نگرش برای پرداختن به آسیب‌های تصمیم‌گیری است. به نظر نویسنده‌ی مقاله، با تکیه بر نظر رابرت جرویسف بایستی باورها، مفروضه‌ها، و ادراک‌ها و شناخت را به شیوه انتقادی بررسی کرد تا با توجه به محیط منعطف و فاقد قطعیت روابط بین‌الملل تصمیمات درستی اتخاذ کرد (مشیر زاده، ۱۳۹۶، ۹-۲۷). این مقاله هر چند منسجم‌تر و قوی‌تر از مقاله‌ی نخستین است اما آن هم مانند پژوهش پیشین، تصمیم‌گیری‌های سیاسی را به شیوه‌ای «جزیره‌ای» می‌بیند. یعنی عنصر شفافیت، بازخورد، پاسخگویی و سنجش‌گری نقادانه، که نیازمند دیدی کلان‌تر است، در این نوع نگاه مغفول است. مثلاً بدون گرفتن بازخوردهای از سوی نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و افکار عمومی مستقل از این نهادها، مشخص نیست که چگونه قرار است راستی‌آزمایی این تصمیمات و به تبع آن اصلاح، تعدیل یا رد آن‌ها انجام شود. پژوهش‌ها زیر کمابیش همین مشکل را دارند که برای آشنایی خوانندگان فقط به عناوین آن‌ها اشاره می‌کنیم. آسیب‌شناسی سیاستگذاری جمعیتی جمهوری اسلامی ایران (رحیمیان، ۱۳۹۸، ۱۲۷-۱۵۱)، آسیب‌شناسی سیاستگذاری موسیقی در جمهوری اسلامی ایران (اسلامی و تاجی، ۱۳۹۸، ۲۶۱-۲۷۹)، آسیب‌شناسی سیاستگذاری دولت در بخش تعاون ایران پس از انقلاب اسلامی (خسروی و دیگران، ۱۳۹۶)، فراترکیب آسیب‌های سیاستگذاری توسعه صنعتی در ایران (۱۳۷۰-۱۳۹۷) (شیخ زاده جوشانی، کریمی زاده و کمالی، ۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی ساختاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران (ایزدی، خادم زاده و سلطانی، ۱۳۹۹).

درباره‌ی نهاد حاکمیتی دیگر یعنی مجلس هم، پژوهش وزینی را مرکز پژوهش‌های مجلس با نام آسیب‌شناسی نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران انجام داده است در این پژوهش به طور مفصل به آسیب‌های مرتبط با کلیت نظام قانونگذاری، آسیب‌های مربوط به مرحله پیش از آغاز فرآیند قانونگذاری، آسیب‌های مربوط به فرآیند تصویب قانون، آسیب‌های مربوط به مرحله پس از اتمام فرآیند قانونگذاری و پایش و اصلاح و

تعدیل قانون پرداخته است. این پژوهش نیز، مشکلات را تکه‌تکه دیده و برشمرده و نتوانسته تمام این آسیب‌ها را به نقاط مشخص و کانونی نظیر نظام فیدبک یا بازخورد، شفافیت و راستی‌آزمایی تصمیمات، ارجاع دهد که البته وجود همه اینها منوط به پیوند دولت ملت، وجود جامعه مدنی قوی و احزاب سیاست، تکثر قدرت و چندصدائی بودن جامعه است. مثلاً به طور مشخص در قسمت مربوط به پایش قوانین، مشکلاتی نظیر «عدم پایش مستمر آثار اجرا و میزان کارآمدی و اثربخشی قوانین»، «نبود معیار ارزیابی آثار مختلف قوانین»، «عدم اصلاح بموقع ایرادهای قوانین»، «عدم به روز رسانی بموقع قوانین»، همه و همه نشان دهنده فقدان بازخورد، انتقاد و پی‌گیری قوی نیروهای اجتماعی است، که چنانکه دیدیم، عنصر نادیده و ناگفته در بسیاری از پژوهش‌های مربوط به آسیب‌شناسی تصمیم‌گیری سیاسی و سیاستگذاری است.

درباره‌ی شفافیت در تصمیم‌گیری‌های نهادهای کشوری و دولتی نیز مقالات و پژوهش‌های در زبان فارسی منتشر شده که یکی از نخستین آن‌ها، مقاله‌ای است که نگارنده با نام شفاف‌سازی و پاسخگویی در نهادهای رسمی بیست سال پیش در مجله‌ی مجلس و پژوهش منتشر کرده است. در آن مقاله با تکیه بر اصل بنیادی حق دانستن، و ضرورت پاسخگویی، بر سه وجه شفاف‌سازی؛ «شفاف‌سازی اطلاعات»، «شفاف‌سازی مشارکتی» و «شفاف‌سازی در پاسخگویی برای اتخاذ تصمیم درست و جلوگیری از فساد» تأکید شده بود. (رحمانی زاده دهکردی و پدرام سعید ۱۳۸۱) مقالات دیگری نیز در این حوزه منتشر شده که برخی از مهمترین آن‌ها از این قرار است:

وضعیت شفافیت در سازمانهای حاکمیتی ایران که به بررسی هجده وبسایت وزارتخانه‌ها می‌پردازد تا از این طریق ضعف عنصر شفافیت را در این سازمان‌ها نشان دهد (جمالی و عباس نرگسیان ۱۳۹۸)، تبیین مفهوم و کاربرد شفافیت در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی این مقاله، به مبانی نظری مفهوم شفافیت، ابزارها و رویکردها و تجربه‌ی جهانی در این زمینه می‌پردازد (عبدالاحسین زاده ۱۳۹۹)، نقش شفافیت در کاهش تعارض منافع و مقابله با فساد در کشور این پژوهش با اشاره به رتبه‌ی جهانی بسیار نازل کشور ما در زمینه شفافیت (۱۳۰ از میان ۱۸۰ کشور) راهکارهای برای شفاف‌سازی تصمیمات و اقدامات ارائه داده است (عباسی کلاش و داود منظور، ۱۳۹۸)، شناسایی معیارهای ارزیابی شفافیت در مجلس شورای اسلامی که از طریق مصاحبه

و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، یکصد و هشت مؤلفه برای ارزیابی شفافیت در مجلس معرفی کرده است (یاوری و یحیی مرتب ۱۴۰۰). نکته کلیدی و مغفول در همه‌ی این مقالات، همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم، عبارت است از: «بی‌التفاتیت به مسأله پاسخگویی» و «بی‌توجهی به فقدان بازخوردهای مدنی و سیاسی».^۱ در این میان، آسیب‌های مختلفی را که این پژوهشگران به شیوه‌های انتزاعی و تحلیلی، معرفی و بر آفتاب افکنده‌اند، اغلب نشانگان و عوارض جانبی عنصر اصلی، این مسأله یعنی؛ فقدان نهادهای مدنی قوی و نبود سازوکار درست پاسخگویی و راستی‌آزمایی^۲ است.

چشم‌انداز نظری و روش و شاخص‌های ارزیابی

به نظر می‌رسد در کشورهای نظیر ایران گسست تاریخی بین دولت و ملت وجود دارد. ما در این مقاله قصد نداریم به چرایی این امر بپردازیم. در این زمینه کتاب‌ها و مقالاتی بسیاری نوشته شده که خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند به آن‌ها مراجعه کنند.^۳ افزون بر این شکاف، دولت‌ها در این کشورها، دارای نوعی «خودبستگی نسبی» هستند. پسوند نسبی را بنا به این دلیل آورده‌ایم که اساساً خودبستگی یک طیف است و عواملی هستند که این خودبستگی را تحدید می‌کنند؛ نظیر افکار عمومی و نهاد مدنی (هر چند اندک و ضعیف)، ساختارهای حقوقی، بوروکراتیک و وجود قدرت‌های رسمی یا غیررسمی موازی، گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ و... در کشورهایی نظیر ما خودبستگی در امور مالی بیشترین نمود دارد. دولت تحصیلدار^۴ یا دولت نفتی که به دلایل داشتن درآمد گزاف

۱. پاسخگویی بدون وجود نیروهای اجتماعی قوی (جامعه مدنی) و نیروهای سیاسی (احزاب سیاسی) بیشتر به تعارف شبیه است. همان‌گونه که منتسکیو به درستی دریافته بود که قدرت را تنها قدرت می‌تواند مهار کند و با دستورالعمل‌های اخلاقی و توصیه‌های حکیمانه شدنی نیست.

۲. ما در این مقاله راستی‌آزمایی را در برابر verification و توجیه یا موجه بودن را در برابر justification به کار برده‌ایم.

۳. مثلاً عبدالعلی قوام و مهدی مالیر در مقاله به منظور ارائه‌ی مدلی درباره شکاف دولت و ملت، چکیده‌ای از این پژوهش‌ها را ذکر کرده‌اند. قوام و مالیر، (۱۳۹۳)، ۱۵۸-۱۹۷

نفتی، عملاً نیاز چندانی به کمک جامعه مدنی و سایر نهادهای اجتماعی اقتصادی ندارد و بنابراین می‌تواند بی‌تشویش درباره‌ی مسائل مختلف تصمیم‌گیری کند بدون آنکه دلمشغول عکس‌العمل‌هایی مثلاً از سوی مالیات‌دهندگان باشد. به این علت، دولت‌های از این دست، نیاز چندانی به پاسخگویی احساس نمی‌کنند.

حال اگر ما این چشم‌انداز نظری را برای نگاه به تصمیم‌گیری‌های نهادهای حاکمیتی و به ویژه دولت، مفروض بگیریم. آنگاه می‌توانیم با مصادیق فراوان نشان دهیم که چگونه فقدان پاسخگویی یا پاسخگو بودن اندک این نهادها، که از عوارض جانبی این شکاف است، اثرات منفی بسیاری در تصمیم‌گیری و سازوکارهای آن باقی می‌گذارد و چطور دو معیار عمده‌ی ارزیابی این گونه تصمیم‌گیری‌ها؛ یعنی «راستی‌آزمایی» و «شفافیت» را از گردونه خارج می‌کند.

روش و شاخص‌های ارزیابی تصمیم‌گیری سیاسی

به نظر می‌رسد که در میان شیوه‌های تصمیم‌گیری، روش مبتنی بر نظریه انتخاب عقلانی^۱ متعارف‌ترین روش است که بر اساس نظر کریستین استارکله، مفروضات اساسی آن عبارتند از اینکه: افراد دارای مجموعه‌ای منسجم از ترجیحات هستند، اطلاعات لازم را برای رسیدن به تصمیمی آگاهانه جمع‌آوری می‌کنند، اقدامات جایگزین را ارزیابی می‌کنند و اقداماتی را انجام می‌دهند که به طور مطلوب با باورها و ارزش‌ها و نفع شخصی آن‌ها مرتبط است و به این اعتبار است که این اقدامات، کنش‌ها و تصمیمات موجه تلقی می‌شوند (Staerklé 2015,427).

روشن است انتخاب این روش در این مقاله، به معنی ارجحیت دادن این شیوه، به شیوه‌های دیگر نیست اما به نظر می‌رسد بر اساس اصل اختصار تبیین^۲ روش انتخاب عقلانی، بهترین و ساده‌ترین روش برای بررسی فرایند تصمیم‌گیری سیاسی است. ما این روش را در بررسی خویش در نظر گرفته و فرض را بر این می‌گذاریم که آدم‌ها تحت

1. Rational Choice Theory

۲. بر اساس اصل اختصار تبیین که در نوشته پژوهشی به تیغ اوکام Occam's Razor معروف است، رواست که در بررسی پدیده‌ها، سراسرترین و ساده‌ترین تبیین را برای پرهیز از انگاشت‌های بیشتر برگزید.

تأثیر خواست‌ها، ایده‌ها و تمایلات خود، عقلانی‌ترین تصمیمات را می‌گیرند واضح است چنین فرضی معایب و ایراداتی خاص خود را دارد^۱، اما در پس زمینه و برای پیشبرد بحث باید آن را لحاظ کنیم.

افزون براین، به نظر می‌رسد پیش نیاز یا فلسفه هر رهیافت از جمله رهیافت انتخاب عقلانی، وجود فرایندهای دموکراتیک تصمیم‌گیری است که لازمه‌ی آن وجود نیروهای اجتماعی و سیاسی قوی (جامعه مدنی و احزاب سیاسی) است که نهادهای تصمیم‌گیرنده را به پاسخگویی وادارد و از سوی دیگر، به تفکر انتقادی برای سنجش تصمیم‌گیری نیاز داریم که مهمترین پرسش^۲ آن این است که از کجا می‌دانیم چه چیزی درست است، از کجا می‌توانیم خطاهای شناختی‌مان را به حداقل برسانیم و بالاخره اینکه چه شواهد و استدلال‌هایی برای راستی‌آزمایی و موجه کردن آن‌ها هست.

و اما برای روشن شدن منظورمان از تصمیم‌گیری، متداول‌ترین تعریف از تصمیم‌گیری را ملاک قرار داده‌ایم و آن تعریفی است که پاتریک جی مک کئون^۳ به خوبی آن را بیان کرده است. وی می‌نویسد که تصمیم‌گیری در معنای متعارف، عبارت است از شناسایی مساله، گردآوری اطلاعات، شناسایی راه‌حل‌های بدیل، ارزیابی راه‌حل‌ها، گزینش راه‌حل / راه‌حل‌ها، اجرای تصمیمات و بالاخره نظارت بر پیامدها و نتایج (McKeown, 2002, pp. 181 & 182).^۴ البته ما این تعریف را قدری بسط داده‌ایم تا دقت و دامنه‌ی

۱. کریستین درباره برخی از این ایرادات می‌نویسد: «رویکرد انتخاب منطقی با یک پارادوکس مواجه است، زیرا تحقیقات به طور گسترده نشان داده که در عمل، تصمیم‌گیری سیاسی عملاً هرگز از این اصول پیروی نمی‌کند. افراد نظرات ناساز و مختلفی ارائه می‌دهند، از اطلاعات به طور نادرست استفاده می‌کنند، به انتخاب‌های خود بیش از حد اعتماد دارند، نمی‌توانند ارزیابی‌های موجود را با توجه به اطلاعات جدید تطبیق دهند، از داده‌های ناکافی به نتیجه‌گیری‌های ناموجه می‌پردازند و نظرات متعصبانه‌ای را بیان می‌کنند» (See: Staerklé, Ibid.).

۲. جان‌مایه‌ی تفکر انتقادی، تفکر سنجشگرایانه سقراطی است که می‌توان در این مقاله از آن کمک گرفت. ریچارد پل کتاب خواندنی‌اشنایی با هنر پرسشگری سقراطی شش نوع پرسش را اساس پرسش‌های سقراطی می‌داند. پرسش در باب شفافیت و وضوح مسئله، پرسش درباره مفروضه‌های ناگفته در استدلال، پرسش درباره استدلال‌ها و شواهد، پرسش درباره منظر و نوع نگاه، پرسش درباره پیامد و عواقب مسئله و بالاخره پرسش درباره خود آن مسئله (See: Paul & Elder, 2016).

3. Patrick G. McKeown

۴. پاتریک جی مک کئون نخست درباره مفهوم داده سخنی می‌گوید که به زعم او عبارت است از چیزهای عینی و

شمول آن را افزایش دهیم: نخست مساله و موضوع تصمیم‌گیری، دوم انتخاب داده یا اطلاعات مرتبط، سوم بررسی اطلاعات و داده‌های موجود، راستی‌آزمایی داده و شواهد و پژوهش‌ها، چهارم ارائه تصمیم‌های مختلف و راه‌حل‌ها، انتخاب و سنجش راه‌حل‌ها، پنجم تصمیم‌گیری، ششم اجرای تصمیم، هفتم ارزیابی تصمیم‌گیری و پیامدهای تصمیم‌گیری، هشتم تغییر تصمیم‌گیری یا اجرای بر اساس اطلاعات جدید.

الف. انتخاب موضوع برای تصمیم‌گیری

تشخیص این که کدام مساله مهم است و باید درباره‌ی آن تصمیم‌گیری شود، بستگی به نوع تصمیم و اختیارات دولت دارد. برخی از تصمیمات سیاسی مهم که نیازمند بودجه‌ی خاصی هستند در قالب لایحه برای ارزیابی و تصویب نهایی به مجلس ارائه می‌شود و پس از تأیید مجلس، تصمیم‌گیری می‌شود. در این مقاله کانون توجه به تصمیم‌گیرهائی است که دولت در قالب لایحه می‌دهد هر چند بسیاری از آنچه درباره‌ی تصمیم‌گیری نهادهای سیاسی چه تصمیم‌های جزئی‌تر در قالب وظائف عمومی و چه تصمیم‌گیرهائی مجلس، در مورد آنها هم صادق است. تصمیم‌گیرهائی مجلس را به این مناسب در این جا ذکر کرده‌ایم که به نظر می‌رسد پروسه‌ی آن شبیه سازوکارها و فرایند تصمیم‌گیری‌های دولتی است.

در یک فرایند دموکراتیک، تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی، افزون بر تشخیص مقامات دولتی (که شیوه‌های مستقیم یا غیر مستقیم از سوی ملت انتخاب شده‌اند)، نیازمند اظهارنظر نهادهای مدنی (منظور گروه‌های متشکل از مردم که خواست‌های صنفی دارند و در محدوده‌ای که جامعه مدنی نام دارد، آن‌ها را ابراز می‌کنند) و نگرش احزاب و گروه‌های سیاسی (که در حوزه‌ی جامعه سیاسی قرار دارند و به دنبال کسب قدرت سیاسی یا تأثیرگذاری بر قدرت سیاسی‌اند) است و روشن است که در تصمیمات بسیار

واقعیت‌ها، ارقام، نشانه‌ها و... که به خودی خود معنایی ندارند اما اگر این‌ها طی فرایندهای انسانی یا رایانه‌ای به اشکال معناداری درآیند، به آن‌ها اطلاعات می‌گوییم. اطلاعات در اشکال گوناگونی بدست می‌آید در شکل اسناد، جداول، آمارهای معنادار و... هنگامی که برای درک چیزی از اطلاعات بهره می‌گیریم و آن اطلاعات را دسته‌بندی می‌کنیم، شناخت یا معرفت حاصل می‌آید (McKeown, 2002, p. 14).

مهم سیاسی، مراجعه مستقیم به مردم در قالب همه پرس‌ی یا پله بیسیت^۱ هم پیش‌بینی شده است.

در کشور ما به علت استقلال نسبی دولت (به دلیل درآمدهای حاصل از نفت) و گسست ساختار اجتماعی مردم از دولت، میزان پاسخگویی دولت و به تبع آن شفافیت اطلاعات (که دو پایه بسیار مهم در تصمیم‌گیرهای عقلانی و دموکراتیک است) بسیار اندک است. پاسخگویی دولت تنها در قبال مجلس است که بر اساس تجربه‌ی گذشته، اگر نگوییم ناکارآمد، اما ناقص و نارسا و دارای ایرادهای فراوان بوده است. متأسفانه تصمیم‌گیری نهاد سیاسی دیگر یعنی مجلس هم دارای شفافیتی اندک بوده و عملاً به دلیل نبود سازوکارهای لازم، پاسخگویی لازم را درباره‌ی «چرایی و چگونگی انتخاب موضوع برای تصمیم‌گیری» نداشته است و اصل بر این بوده چون مردم اختیارات لازم را برای تصمیم‌گیری به آن‌ها داده‌اند، آنها می‌توانند به گونه‌ی که تصور می‌کنند صحیح است موضوعاتی برای تصمیم‌گیری انتخاب کنند.

ب. انتخاب داده یا اطلاعات مرتبط به موضوع تصمیم‌گیری

اگر به مقدمه اغلب لایحه‌های دولت و طرح‌های نمایندگان مراجعه کنیم با این عبارات مواجه می‌شویم که این طرح یا لایحه بر اساس نظر کارشناسان، پژوهش‌های انجام شده و بررسی وضعیت موجود انجام شده است.^۲ به عبارت دیگر، مأخذ و منابع انتخاب موضوع و به تبع آن تصمیم‌گیری‌ها، به درستی مشخص نشده است. یعنی شفافیت لازم در گردآوری منابع پژوهشی تصمیمات وجود نداشته و در بسیاری از موارد، مشخص نیست که این تصمیمات تا چه حد متکی بر داده‌ها، تا چه حد متکی بر دیدگاه شخصی و سلیقه‌ی مقامات یا کارشناسان بوده و به چه میزان تکیه بر دیدگاه‌های ایدئولوژیک و

1. plebiscite

۲. مثلاً در مقدمه توجیهی «لایحه هدفمندی کردن یارانه‌ها» چنین آمده است (تأکید از نگارنده است): «مطالعات نشان می‌دهد که علی‌رغم اهداف مورد پیگیری توسط دولتها و همچنین اختصاص حجم بسیار عظیمی از منابع کشور برای پرداخت یارانه در اشکال مختلف، میزان دستیابی به اهداف ناچیز بوده و تناسبی با حجم منابع مصرف شده ندارد... لذا با بهره‌مندی از تجربیات و انجام مطالعات تفصیلی با استفاده از پژوهشگران کشور...» (ر.ک لایحه هدفمندی کردن یارانه‌ها، ۱۳۸۷، ۳-۴).

مصالح سیاسی ملی یا جناحی دارند.

ج. راستی‌آزمایی داده و اطلاعات گردآوری شده

از آنجایی که شفافیت لازم در ذکر منابع و نحوه استفاده‌ی از آن‌ها عملاً وجود ندارد به تبع آن راستی‌آزمایی هم محلی از اعراب ندارد. مثلاً سخنگوی یکی از دولت‌های پیشین، لغو مصوبه پیشین دولت درباره‌ی تغییر ساعت رسمی دولت را به دلیل «سردرگمی بخش‌های زیادی از جامعه در اثر تغییر ساعت رسمی کشور» و «عدم وجود بررسی‌های دقیق و کارشناسانه برای تأیید صرفه‌جویی در مصرف برق با روش تغییر ساعت» اعلام کرده بود. در آن گفتار، منظور از سردرگمی بخش‌های زیادی از جامعه مشخص نیست و «عدم وجود بررسی‌های دقیق و کارشناسانه» گزاره‌ای نادرستی بوده است که در همان زمان و تا هم اکنون، چنانکه که در ادامه خواهیم دید، گزارش‌های کارشناسی علمی بسیاری در مغایرت با آن، در داخل و خارج از کشور منتشر شده است.^۱

د. ارائه تصمیم‌های مختلف و راه‌حل‌ها و نیز سنجش و انتخاب بین آن‌ها

نکته این است که حتی اگر فرض را بر وجود منابع و مآخذ کافی و انجام راستی‌آزمایی شواهد و این منابع بگذاریم، جدا از اشکالات مفهومی و تئوریک این منابع (که در ادامه به اشاره خواهیم کرد)، به دلیل فقدان شفافیت، از فرایند و نحوه‌ی این تصمیم‌گیرهای بی‌اطلاع هستیم. ما نمی‌دانیم این تصمیمات، آیا افزون بر منابع به درستی راستی‌آزمایی شده، مبتنی بر چه معیارهای دیگر بوده‌اند. آیا خطاهای شناختی متعارف در تصمیم‌گیری‌ها تا چه حد در آن‌ها رخنه کرده^۲، آن‌ها تا چه حد تابع تصمیم‌گیرهای

۱. برای اطلاع خوانندگان، تنها در مرکز پژوهش‌های مجلس، هفت گزارش کارشناسی درباره تغییر ساعت رسمی کشور منتشر شده است. بویژه گزارش نخست آنها با نام «مروری بر تجربیات موفق سایر کشورها در خصوص تغییر ساعت رسمی»، با شماره ثبت ۸۱۷۴ در سال ۱۳۸۵ در این زمینه بسیار روشنگر است. بنگرید به گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس به آدرس ذیل:

https://rc.majlis.ir/fa/report?keyword=&serial_no=&lu_type=&contact=&from_publish_date=&to_publish_date=&tag=&tag_lang=&order_index=0&departments=&department_type=

۲. متعارف‌ترین خطاهای شناختی در تصمیم‌گیری عبارتند از: «سوگیری تأیید» (Confirmation Bias)،

خلق‌الساعه و «سرعتی» بوده‌اند.^۱ تا چه حد تصمیمات وجه عملی، روزمره و کاربردی داشته و بالاخره تا چه اندازه‌ای مبتنی بر اسناد بالادستی، راهبردی یا هدف‌های کلان بوده‌اند.

ه. تصمیم‌گیری

واقعیت آن است که ما، در اغلب موارد، از روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی مطلع نیستیم. معمولاً در اخبار و رسانه تنها به این نکته اشاره می‌شود که تصمیمی در جلسه‌ای، احتمالاً بعد از بررسی در کارگروه‌های خاصی، با حضور مقامات برجسته دولتی اتخاذ شده است. غالباً درباره‌ی صلاحیت‌های افراد این کارگروه‌ها، مشروح و یا حتی کلیات گفت و گوهای این جلسات اخباری منتشر نمی‌شود.

و. اجرای تصمیم

هر چند به نظر می‌رسد اجرای تصمیم، دخلی به فرایند تصمیم‌گیری ندارد، اما در عمل این گونه نیست. در بسیاری از موارد اجرا یا عدم اجرا یا ناتوانی در اجرای یک تصمیم، اطلاعات ناگفته‌ای را در اختیار ما می‌گذارد. در این زمینه، نهادهای ناظر حاکمیتی وجود دارد که وظیفه‌شان نظارت بر اجرای تصمیمات سیاسی است. برخی از گزارش‌های عینی این ناظران نشان می‌دهد که چگونه برخی از تصمیمات نهادهای حاکمیتی، بی‌عنایت به

«سوگیری هزینه از دست رفته» (Sunk Cost Bias)، «استدلال بر پایه جمعیت یا محبوبیت» (Appeal to Popularity)، «مغلطه شیب لغزنده» (slippery slope)، «استدلال بر پایه انسان» (ad hominem) و بالاخره «استدلال بر پایه مرجعیت» (Argument from authority). بررسی این خطاها، از حوصله این مقاله خارج است و خوانندگان محترم می‌توانند به منابع مرتبط با این‌ها که به وفور در اینترنت وجود دارد، مراجعه کنند.

۱. سخنان احمدی نژاد در نشست تلویزیونی ایشان در تاریخ بهمن ۱۳۸۵ از این نظر قابل توجه است: «بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر کسی توانست سریع تصمیم بگیرد آن تصمیم یک تصمیم غیرکارشناسی است. این اصلاً علمی نیست. ما فکر می‌کنیم مدیر متخصص مدیری است که در حوزه مدیریت خودش باید ۹۰ تا ۹۵ درصد موارد را به سرعت و عالمانه اتخاذ کند. ولی مدیری که می‌خواهد آب بخورد، یک گروه کارشناسی استخدام کند سه سال مطالعه کنند و بعد هم به درد نخورد. حوزه اجرا این‌ها نیست که. والله ما باید همین طور مثل قطار دودی حرکت کنیم توی دنیا. اینکه نمی‌شود که» بنگرید به:

احمدی-نژاد-تصمیمات-سریع-دولت-کارشناسی-شده-است-/<https://www.irna.ir/news/9481046/>

امکان تحقق آنها گرفته شده و چگونه برخی دیگر از تصمیمات بنابه دلایل جناحی و سیاسی، بدون توجه به پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و حتی زیست محیطی اتخاذ گردیده که اجرای آنها، پیامدهای جدی به دنبال داشته و یا اینکه برخی از تصمیمات، با آنکه امکان اجرای آنها فراهم گردیده، بنابه دلایلی دیگر، محقق نشده است.

ز. ارزیابی تصمیم‌گیری و پیامدهای تصمیم‌گیری

چنانکه دیدیم، نهادهای حاکمیتی درباره منابع و داده‌ها تصمیم‌گیری و نیز فرایندهای سازوکارهای تصمیم‌گیری به شیوه‌ای شفاف سخن نمی‌گویند احتمالاً به این علت که نیازی به این کار نمی‌بینند. به همین دلیل است که محققان، مردم و مخاطبان این تصمیمات، تنها بعد از اتخاذ تصمیم و رصد پیامدهای آن، می‌توانند آن تصمیم/تصمیمات را ارزیابی کنند. البته ارزیابی تصمیم می‌تواند به دو صورت انجام شود: یکی به صورت «خود سنجشگری» عاملان تصمیم‌گیرنده و دیگری ارزیابی مخاطبان و مشاهده‌کنندگان بیرونی. به نظر می‌رسد که ما برای ارزیابی بیرونی و شکنندگی تصمیمات سیاسی می‌توانیم از فرمول ساده و کلاسیک فساد بهره بگیریم. زیرا تصمیم‌گیری‌های سیاسی در فضای فاقد شفافیت نیز می‌تواند زمینه‌ساز فساد سیاسی گردد.

تعریف ساده و کلاسیک کلیتگارد در باره فساد عبارت است از انحصار یعنی در اختیار گرفتن مطلق کالاها و همه چیزهای باارزش، به علاوه صلاح‌دید و اختیار تصمیم‌گیری برای توزیع آنها منهای پاسخگویی که با فرمول ذیل نمایش داده می‌شود^۱ (see Klitgaard, 1991, p. 75).

فساد = انحصار + صلاح‌دید و انتخاب تصمیم‌گیری - پاسخگویی

اگر معیار فوق ملاک قرار گیرد، آن گاه تمامی تصمیمات سیاسی اتخاذ شده، امکان تخلف دارند و روشن است برملاشدن این تخلفات در صورت وجود سازوکارهای

۱. این فرمول به صورت $C=M+D-A$ نوشته می‌شود که C برای واژه فساد (Corruption)، M و D و A به ترتیب برای واژگان انحصار، صلاح‌دید و پاسخگویی (Monopoly, Discretion and Accountability) به کار می‌رود.

پاسخگویی قوی، بر اساس شواهد تجربی جهانی^۱ بیشتر است. به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری که در معرض ارزیابی و قضاوت دیگران قرار می‌گیرد، امکان شناخت معایب، باگ‌ها و مشکلات آن بیشتر است. هر چند که باید اضافه کنیم که این امکان نسبی است و بایستی مراقب پدیده‌ی دیگر یعنی مغلطه «توسل به جمعیت»^۲ باشیم. با این حال، شواهد تجربی مؤید این است که جمعیت و گروه‌ها و مردم کمتر اشتباه می‌کنند؛ به همین دلیل است که به نظر می‌رسد دموکراسی موجه‌تر از بقیه نظام‌های سیاسی است. تا اینجا مشخص شد که امکان بررسی دقیق تصمیمات سیاسی، به دلیل فقدان شفافیت، ساختارهای بوروکراتیک و عدم پاسخگویی در هاله از ابهام است. اما با بهره‌گیری از چارچوب روش‌شناختی هایک، می‌توان نشان داد که حتی اگر تمام این کارویژه‌های هم درست انجام شده باشد، باز هم تصمیم‌گیری‌های از این دست چه در حوزه اقتصاد^۳ و چه در حوزه سیاست، قابل خدشه‌اند. زیرا نیاز به اطلاعاتی هست که در اختیار کسی یا نهادی نیست و این اطلاعات بتدریج بایستی جمع‌آوری شود.

هایک با تأکید بر ناتوانی آدمی در جمع‌آوری اطلاعات کامل و دقیق برای تصمیمات قطعی می‌گوید که تصمیم‌گیری‌ها و به تبع آن برنامه‌ریزی متمرکز چقدر خطرناک است. به زعم او، ما دو نوع اولویت یا معرفت داریم اولویت یا معرفت تکنیکی یا معرفت اقتصادی. معرفت یا شناخت فنی، شناختی است که ما اطلاعات را از پیش داریم و پیش-بینی همه چیز از طریق کارشناسان فنی شده است. اما شناخت‌های اقتصادی و به تبع آن شناخت اجتماعی سیاسی و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن، مربوط به اطلاعات پراکنده‌ای

۱. مثلاً در پژوهش ذیل در مکزیك به عنوان نمونه از بسیار، به روشنی نشان داده شده که چگونه بر پرده افتادن حساب‌های مالی دولت و نهاد مختلف اداری و واداشتن آن‌ها به پاسخگویی از طریق افکار عمومی، در کاهش فساد موثر بوده است:

Larreguy, H., Marshall, J., & Snyder Jr, J. M. (2020). Publicising malfeasance: when the local media structure facilitates electoral accountability in Mexico. *The Economic Journal*, 130(631), 2291-2327.

2. Argumentum Ad Populum Fallacy

۳. می‌دانیم که فردریک هایک اقتصاددان است و روشی که در این جا ما استفاده می‌کنیم بیشتر وجه اقتصادی دارد و در نقد برنامه‌ریزی و تصمیمات اقتصادی دولت و نهاد دولت است اما به نظر ما تسری آن به همه تصمیمات سیاسی، چنان که در متن نشان داده ایم، موجه و کاربردی است.

است که به شیوه ضمنی در جامعه وجود دارد. احصاء این اطلاعات، منوط به مشارکت افراد، درگیر شدن با مساله و گذر زمان است. مثلاً اگر بتن و تیر آهن هر دو برای مقاومت یک ساختمان ارزش یکسانی داشته باشند کدام را باید ترجیح داد. روشن است که برنامه‌ریز و تصمیم‌گیر اقتصادی حتی نخبگان آن حوزه، هر چه بگویند صحیح نیست زیرا در اینجا اطلاعات جدیدی لازم است که برای تصمیم‌گیری، که در بستر اجتماع پراکنده است یا آنکه اطلاعاتی است که در آینده و به هنگام ساخت بنا، از طریق بازار بدست می‌آید. بنابراین در تصمیم‌گیری‌ها بایستی جانب احتیاط را در نظر گرفت و آن تصمیمات را موقت و تابع زمان، مکان و بستر خاص دانست. در این نوع تصمیم‌گیری‌ها، هوش، نخبگی و صلاحیت تصمیم‌گیرندگان تنها یک وجه از مساله است اما کافی برای گرفتن تصمیمات قطعی نیست (See: Hayek, 2009).

حال برای اینکه این آسیب‌ها را به شیوه‌ای عینی نشان دهیم، به چند نمونه از این تصمیم‌گیری‌ها اشاره می‌کنیم:

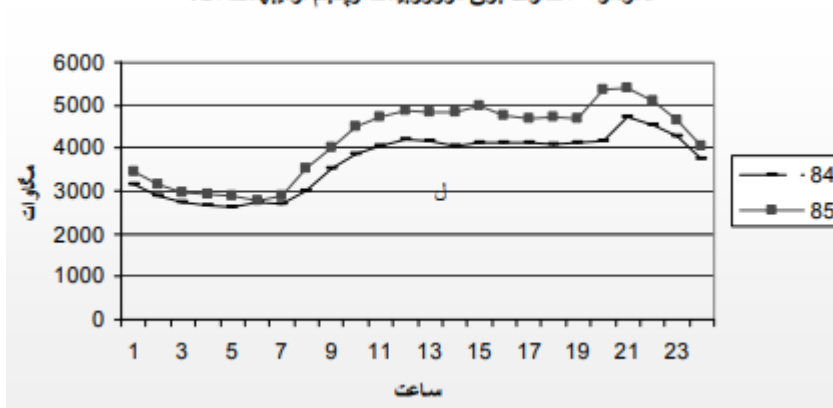
الف. تغییر ساعت رسمی کشور

یکی از تصمیماتی که در آن می‌توان چند و چون بسیار کرد و طبعاً مثال خوبی برای شناخت آسیب‌های تصمیمی سیاسی است، پرسش در این زمینه است که تصمیم‌گیری در باره تغییر یا عدم تغییر ساعت رسمی کشور چگونه، بر طبق چه داده‌ها عینی و بر اساس چه بررسی‌ها و راستی‌آزمایی انجام شده است. در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ در هیأت وزیران، مصوبه‌ی تغییر ساعت لغو (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۴۰۰) و مقرر شد از سال ۱۳۸۵ ساعت تغییر نخواهد کرد. سخنگوی وقت دولت، اعلام کرد که بررسی کارشناسانه‌ای مبنی بر این که تغییر ساعت در کشور منجر به صرفه‌جویی در مصرف انرژی در کشور شده باشد، وجود ندارد. وی دلیل لغو مصوبه قبلی هیئت دولت را «سردرگمی بخش‌های زیادی از جامعه در اثر تغییر ساعت رسمی کشور» و «عدم وجود بررسی‌های دقیق و کارشناسانه برای تأیید صرفه‌جویی در مصرف برق با روش تغییر ساعت» اعلام نمود.

البته سخنگوی دولت، اشاره‌ای به داده‌ها و پژوهش‌هایی که او را به این نتیجه رسانده نمی‌کند. دقیقاً دو ماه پس از لغو مصوبه، شرکت شبکه برق تهران آماری منتشر کرد که بسیار گویا بود. تفاوت تغییر ساعت در اردیبهشت ۱۳۸۴ (پیش از لغو مصوبه) و

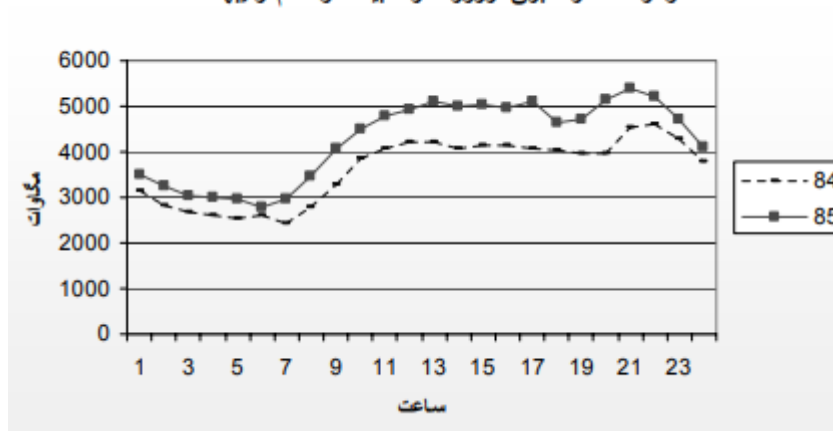
اردیبهشت ۱۳۸۵ (بعد از لغو مصوبه) در این دو تصویر مشاهده می‌کنید:

نمودار ۴- مصرف برق در روز بیست و پنجم اردیبهشت ماه



منبع نمودار: آمار صورت حسابهای برق تهران، شرکت مدیریت شبکه ۱۳۸۵ (به نقل از: محمدی ۱۳۸۸)

نمودار ۵- مصرف برق در روز مصرف بیست و ششم اردیبهشت ماه



منبع نمودار: آمار صورت حسابهای برق تهران، شرکت مدیریت شبکه ۱۳۸۵ (به نقل از: محمدی ۱۳۸۸)

مجلس در تاریخ ۳۱ مردادماه ۱۳۸۶ قانونی را تصویب و به رئیس جمهور ابلاغ کرد که بر اساس ماده واحده آن «ساعت رسمی کشور هر سال در ساعت ۲۴ روز اول فروردین ماه یک ساعت به جلو کشیده می‌شود و در ساعت ۲۴ روز سی‌ام شهریورماه به

حال سابق برگردانده می‌شود»^۱ (قانون تغییر ساعت کشور ۱۳۸۶).
جدال بر سر تغییر یا ثابت ماندن ساعت رسمی کشور تبدیل به دستاویزی جناحی شد، بی‌آنکه مستندات هر دو طرف، به شیوه‌ای شفاف و آشکار در اختیار مردم قرار بگیرد و بدون آنکه امکان پرسش یا بازخواست قوی مدنی (از طرف جامعه مدنی) یا سیاسی (از سوی احزاب سیاسی)، از دولت و مجلس وجود داشته باشد.
با روی کار آمدن دولت رئیسی، مجدد مساله تغییر ساعت مطرح شد و در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۴۰۱ قانون دیگری تصویب شد که بر اساس ماده واحده آن «قانون تغییر ساعت رسمی کشور مصوب ۳۱/۵/۱۳۸۶ نسخ می‌گردد و دولت مجاز به تغییر ساعت رسمی کشور نیست» (قانون مصوب ساعت رسمی کشور ۱۴۰۱)^۲.
درباره‌ی دلایل این کار، مجید انصاری؛ سخنگوی کمیسیون اجتماعی گفت: «کاهش مصرف انرژی، بهره‌برداری از زمان و کاهش جرم از دلایل موافقان برای اجرای تغییر ساعت بودند؛ اما تحقیقات نشان داد که نه تنها بر کاهش مصرف انرژی تاثیری نداشته بلکه در مواردی حتی به افزایش مصرف انرژی منجر شده است.» او در ادامه ادعا کرد که تغییر ساعت رسمی بر سلامت مردم تاثیر مخرب دارد و موجب افزایش تصادف‌ها می‌شود^۳ (تأکید از نگارنده است).

اما مرکز پژوهش‌های مجلس به هنگام مطرح شده این طرح در جلسه علنی مجلس، در گزارشی دلایل مطرح شده را بر اساس شواهد تجربی موجود رد کرد. مثلاً درباره‌ی ادعا عدم تأثیر کاهش مصرف انرژی در اثر تغییر ساعت در این گزارش چنین آورده است: «تمامی مطالعات انجام شده شرکت توانیر، دیسپاچینگ، برق تهران، دانشگاه تربیت مدرس، کارشناسان مستقل و مرکز پژوهش‌های مجلس نشان داده که تغییر ساعت باعث صرفه جویی در مصرف برق، کاهش پیک مصرف، کوتاه شدن حدود یک ساعت فاصله زمانی بحران و التهاب شبکه نیز میشود که علاوه بر کاهش هزینه‌های جاری، هزینه‌های سرمایه‌های را نیز کاهش خواهد داد. برای مثال، در مطالعه‌ای در سال ۱۳۹۷

۱. متن قانون ضمیمه است.

۲. متن قانون ضمیمه است.

۳. نگاه کنید به روزنامه جهان صنعت، به شناسه ۲۴۵۰۸۲ به آدرس: <https://jahanesanat.ir/?p=245082>

نشان داده شد که بررسی‌های انجام شده روی منحنی بار ۲۴ ساعته کل کشور طی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۷؛ به طور متوسط حدود ۴ درصد از مصرف برق در ۶ ماه نخست سال از محل اجرای این طرح صرفه‌جویی شده که معادل ۱۳۰ میلیون کیلووات ساعت است. این مهم در واقع بیانگر عدم تخصیص معادل ۱/۶ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی است که ارزش آن به طور متوسط سالیانه بالغ بر ۳۱۷ میلیون دلار بوده است.^۱ این گزارش افزون بر این دلیل، به دلایل دیگری از جمله دلایل جغرافیایی، ارتباط با سایر کشورها، عنایت به اوقات شرقی در جهت دفاع از تغییر ساعت رسمی کشور اشاره کرده و در پایان گزارش کارشناسی چنین آورده است: «به دلیل توجیه‌پذیری و مستند بودن نتایج پژوهش‌های مطالعه آثار تغییر ساعت رسمی کشور و با توجه به اهمیت جایگاه صرفه‌جویی انرژی و تنظیم فعالیت‌های اجتماعی با توجه به اوقات شرعی، پیشنهاد می‌شود که این قانون کمافی‌السابق در کشور اجرا شود و لذا تصویب طرح پیشنهاد نمی‌شود»^۱ (تأکید از متن اصلی است). (گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰).

پرسش این است که آیا نمایندگان مجلس، گزارش‌های مرکز وابسته مجلس را بررسی و مطالعه کرده‌اند و مستندات آن‌ها را دیده‌اند.^۲ به‌راستی کدام تصمیم درست‌تر و موجه‌تر است؟^۳ چگونه این دیدگاه‌ها، داده‌ها و پژوهش‌ها راستی‌آزمایی شده‌اند. چه

۱. هر دو این نقل قول‌ها برگرفته از منبع ذیل است: «اظهارنظر کارشناسی درباره: طرح نسخ قانون تغییر ساعت رسمی کشور»، گزارش برای صحن علنی مجلس، دوره یازدهم، سال اول شماره مسلسل ۱-۱۷۵۰۴-۳۱۰، بیست و یکم اسفند ۱۴۰۰ آدرس وب:

<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1742119>

۲. در مدتی که نگارنده در سال ۱۳۸۰ پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس بود، تجربه شخصی‌اش نشان داد که نمایندگان حداقل در آن دوره یا دست کم نمایندگانی که ما با آن‌ها مراد داشتیم، به گزارش‌های مستند مرکز الفتات اندکی داشتند و غالباً آن‌ها را نمی‌خواندند. به صورت مشخص، مثلاً گزارشی را که نگارنده و همکار دیگری درباره استانی شدن حوزه‌های انتخابیه و مشکلات اساسی این تصمیم، تهیه کرده بودیم (نگاه کنید به: رحمانی زاده دهکردی و پدرام سعید، استانی شدن حوزه‌های انتخابیه ۱۳۸۱) هیچ‌کدام از اعضای کمیسیون نخوانده بودند و متأسفانه بر اساس ایده‌های خلق‌الساعه یا صلاح‌دید شخصی یا جناحی خود درباره آن طرح، اظهار نظر می‌کردند.

۳. این نکته را اضافه کنیم که منظور از تصمیم موجه، تصمیمی است که بر اساس شواهد تجربی گرفته و راستی‌آزمایی شده باشد. روشن است که این تصمیم موجه می‌تواند بر اساس شواهدی که بعداً بدست آید، کاملاً غلط باشد.

کسی/کسانی در برابر پیامدهای سوءتصمیماتی از این دست مسئول هستند؟ چه نهادهای حاکمیتی، مدنی و سیاسی وجود دارند که نهادهای رسمی را به پاسخگویی وادارند؟
ب. تصمیم‌گیری سیاسی درباره‌ی یارانه

حال اجازه دهید که به تصمیم‌گیری بپردازیم که تأثیر زیادی روی مخاطبان پُر تعداد این قانون گذاشته است. می‌دانیم که یارانه یا سوبسید رویه‌ای بود که از قبل وجود داشت. دادن یارانه در گذشته از طریق کمک دولت به برخی از کالاهای اساسی صورت می‌گرفت مثلاً در دهه ۶۰ در کنار سهمیه‌بندی کالاهای و عرضه کوپن، دولت از بودجه عمومی، بخشی از بهای کالاها را می‌پرداخت تا تورم مهار شود. اما در دی ماه ۱۳۸۷ لایحه‌ای با عنوان «هدفمند کردن یارانه‌ها» تقدیم مجلس شد که ویژگی خاص و منحصر بفردی داشت از این جهت که ایده جدیدی را در پرداخت یارانه مطرح می‌کرد. درباره‌ی اینکه نحوه تصمیم‌گیری این لایحه چگونه بوده است در مقدمه لایحه نحوه و سازوکار تصمیم‌گیری به شیوه‌ای اجمالی آمده است: «دولت نهم در سال ۱۳۸۴ با تشکیل ستادی تحت عنوان «شورای راهبردی اقتصادی دولت» به بررسی، شناخت و ریشه‌یابی مشکلات عمده اقتصادی کشور پرداخت و موضوع هدفمندسازی یارانه‌ها که یکی از دغدغه‌های دولتمردان و اقتصاددانان کشور طی دو دهه اخیر بوده را به عنوان یکی از محورهای طرح تحولات اقتصادی احصاء نموده، لذا با بهره‌مندی از تجربیات و انجام مطالعات تفصیلی با استفاده از پژوهشگران کشور، طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در انطباق با قانون اساسی و برنامه چهارم، قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و در راستای افق چشم‌انداز سیاست‌های کل نظام، خدمت به مردم، تعالی و پیشرفت توسط دولت نهم تهیه شد» اینکه این طرح بر اساس چه داده‌هایی و بر اساس چه پژوهش‌هایی انجام شد، هیچ توضیحی در لایحه وجود ندارد. اما تعجیل در تصمیم‌گیری، شائبه بررسی شتابزده را در ذهن اهل فن متبادر می‌کرد. در این لایحه هیچ تعریفی از هدفمندسازی یارانه، ارائه نشده و تنها به مصادیق آن پرداخته می‌شود. اینکه قرار است قیمت‌های حامل انرژی، برق و آب و برخی از کالاهای دیگر به بهایی جهانی نزدیک شوند و درآمد حاصل از آن صرف اقداماتی نظیر آنچه به عنوان هدف نخست این لایحه؛ یعنی تحقق عدالت ذکر شده، گردد. این مصوبه‌ی قانونی، بی‌آنکه دوران آزمایشی را به صورت مقطعی و در محدوده‌ای کوچک، برای

یافتن بازخورد منفی و مثبت بگذرانند، اجرا شد. نتیجه فاز نخست بر اساس گزارش وزارت اقتصاد، کاهش فاحش قدرت خرید مردم، افزایش ۵۰۰ درصدی حاملین انرژی و استقراض دولت از بانک مرکزی بود.^۱

از سوی دیگر، برخی از مجامع رسمی نظیر مرکز پژوهش‌های مجلس، در گزارشی با نام «آسیب‌شناسی قانون هدفمند کردن یارانه‌ها از منظر مبانی نظری و اجرای آن» با بهره‌گیری از آمار به بررسی و سنجش این لایحه و علل برخی از ناکامی‌های آن پرداخت. به نظر نویسندگان این گزارش از یک منظر بررسی عملکرد اجرای قانون طی حدود هفت سال اجرای آن نشان می‌داد که تقریباً در هیچ یک از سال‌های اجرای آن، منطبق بر قانون مصوب سال ۱۳۸۸ نبوده است؛ به طور مثال در حالی که بر اساس قانون باید حداکثر تا سقف ۵۰ درصد مصارف به موضوع ماده (۷) قانون هدفمند کردن؛ یعنی پرداخت نقدی به خانوار اختصاص می‌یافت، در عمل حدود ۸۸ درصد از مصارف قانون صرف توزیع یارانه‌های نقدی و غیرنقدی شد یا آنکه تنها حدود ۲ درصد از کل مصارف جهت کمک به تولید داده شد. در حالی که براساس قانون این میزان باید حدود ۱۴ درصد می‌بود. این عملکرد خلاف قوانین مصوب، یکی از دلایل عدم توفیق در دستیابی به اهداف قانون هدفمندی بود. اما دلیل مهم دیگری را که به نظر پژوهشگران این گزارش می‌توان در تبیین چرایی ناکامی قانون هدفمندی در دستیابی به اهداف خود اقامه کرد، ضعف در مبانی نظری و اشکالات و ابهامات موجود در منطق قانون بود که موجب شد، قانون هدفمندی از ظرفیت لازم برای تحقق اهداف مورد نظر خود تا حد زیادی باز بماند. توزیع منابع حاصل از اجرای هدفمندی یارانه‌ها در میان اهداف متعدد و نامرتبط با حوزه انرژی، عدم توجه کافی به ریشه‌های اصلی ناکارآمدی در حوزه انرژی کشور، تمرکز اصلی بر ابزار قیمتی و غفلت از ابزارهای غیرقیمتی، توزیع غیرهدفمند یارانه‌های نقدی و عدم توجه به ضرورت همراستا بودن سایر سیاست‌های اقتصادی با هدفمند کردن یارانه‌ها برخی از مهم‌ترین نقایص احصاء شده در منطق قانون هدفمندی بودند. به نظر این پژوهشگران، برای تحقق اهداف قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، علاوه بر تمکین نسبت به

۱. نگاه کنید به: پایگاه خبری پیک ایران، «گزارش وزارت اقتصاد از نتایج اجرای فاز اول هدفمندی» به آدرس:

<https://www.peykeiran.com/Content.aspx?ID=78034>

اجرای قانون و عدم انحراف نسبت به قوانین مصوب، لازم است ضعف‌های نظری موجود در قانون نیز احصاء و اصلاح شود (ابوحمز و دیگران، ۱۳۹۷، ۳۵).

دیوان محاسبات کشور نیز عملکرد سازمان هدفمندی‌ساز یارانه‌ها در سال مالی منتهی به ۳۰ اسفندماه ۱۳۹۹ را بررسی کرد و بسیاری از کاستی‌های آن را نشان داد. مثلاً اشاره کرد که به علت عدم تحقق ۱۰۰ درصدی منابع سازمان هدفمندی‌ساز یارانه‌ها، ۸۷ درصد از سهم تولید و اشتغال و ۲۴ درصد یارانه نان و خرید تضمینی گندم محقق نشد. یا اینکه در سال ۱۳۹۹ مبلغ حدوداً ۳۲,۵ هزار میلیارد تومان تحت عنوان بسته حمایت معیشتی ناشی از افزایش قیمت بنزین به حساب مستقیم حدود ۶۰ میلیون نفر واریز شد؛ در حالی که مبلغ وصولی از محل افزایش قیمت بنزین مبلغ حدود ۲۸,۹ هزار میلیارد تومان بوده و مابه‌التفاوت مبلغ پرداختی با مبلغ وصول‌شده از محل هدفمندی‌ساز یارانه‌ها پرداخت شد که این امر، مغایر حکم تبصره ۱۴ بود (اقتصاد آنلاین، ۱۴۰۰).^۱

روشن است که تفصیل نحوه‌ی تصمیم‌گیری و پیامدهای آن از حوصله‌ی این مقاله بیرون است. آنچه می‌توان به اجمال گفت این است که تصمیم‌گیری‌هایی از این دست، هر چند داعیه‌ها و نیت خیرخواهانه نظیر تحقق عدالت، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و مصرف بهینه بودجه دارند اما به دلیل فقدان شفافیت، طی نکردن اصولی روندهای راستی‌آزمایی، فقدان پاسخگویی، کم‌اعتنایی به گزارش‌های ناظرین رسمی و احزاب و جامعه مدنی، عملاً دچار ناکامی و کاستی‌های بسیاری شدند.

در جدول ذیل به مرور اجمالی این دو تصمیم‌گیری سیاسی مهم پرداخته‌ایم.

^۱ مأخذ این مطلب، این پایگاه است: <http://www.eghtesadonline.com/n/2deE>

شفافیت در تعدیل، اصلاح یا تغییر	شفافیت در پیامدهای تصمیم	شفافیت در سازوکارهای تصمیم‌گیری	شفافیت در ارائه داده‌ها و پژوهش‌های مورد نیاز برای تصمیم‌گیری	شفافیت در ارائه دلایل تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری سیاسی در قالب طرح یا لایحه
اندک	اندک	اندک	اندک	صرفه‌جویی در مصرف انرژی، اوقات شرعی، تجربیات تاریخی ما و سایر کشورها	ساعت رسمی کشور
تغییر در تعداد مشمولین یارانه، تغییر برخی از قوانین	نظریات کارشناسی از سوی نهادهای رسمی (دارائی، دیوان محاسبات، مرکز پژوهش‌های مجلس و...)	اندک	اندک	تحقق عدالت، بهره‌گیری از افزایش قیمت حاملین انرژی برای تولید و رفع کسری بودجه دولت	یارانه

راستی‌آزمایی و توجیه در تعدیل، اصلاح یا تغییر	راستی‌آزمایی و توجیه پیامدهای تصمیم	راستی‌آزمایی و توجیه در سازوکارهای تصمیم‌گیری	راستی‌آزمایی و توجیه داده‌ها و پژوهش‌های مورد نیاز برای تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری سیاسی در قالب طرح یا لایحه
اهتمام اندک به تجارب گذشته و تصمیمات خلق الساعه و موقت.	اندک و ناکافی	نامشخص	عدم توجه کافی به پژوهش‌های انجام شده	ساعت رسمی کشور
بررسی برخی اقدامات گذشته و تعدیل و تغییر مقطعی	اندک	نامشخص	نامشخص	یارانه

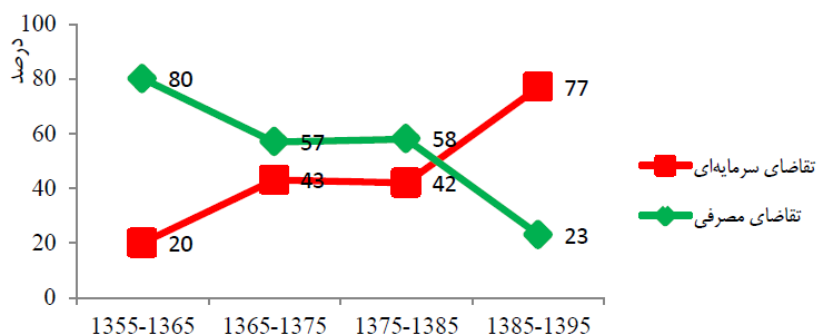
بازخورد درباره‌ی تعدیل، اصلاح یا تغییر	بازخورد در زمینه پیامدهای تصمیم	بازخورد در زمینه سازوکارهای تصمیم‌گیری	بازخورد در برابر داده‌ها و پژوهش‌های مورد نیاز برای تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری سیاسی در قالب طرح یا لایحه
واکنش رسمی از سوی دولت و مجلس، از سوی رسانه‌ها	واکنش از سوی مجلس، از سوی مطبوعات و رسانه‌ها	نامشخص	از سوی نهادهای غیر رسمی بسیار، نهادهای رسمی اندک	ساعت رسمی کشور
واکنش از سوی کارشناسان و نهادهای رسمی	بازخورد بسیار از سوی مجلس، رسانه‌ها و احزاب سیاسی (به شیوه غیر رسمی)	اندک	اندک	یارانه

در دو مثال فوق فقدان شفافیت، راستی‌آزمایی و نبود پاسخگویی را شاهد بودیم برای

اینکه نشان دهیم آن دو تصمیم مهم، تصمیمات منحصر بفرد و استثنایی نیستند و از این نوع تصمیم گیری های سیاسی موارد متعددی هست، اجازه می خواهیم که به چند نمونه ی دیگر از این تصمیمات به شکلی اجمالی اشاره کنیم.

الف. تصمیم گیری درباره گرفتن مالیات از واحدهای مسکونی خالی

پرسش: آیا گرفتن مالیات از واحدهای مسکونی خالی صحیح است؟ بر چه اساس چه تحقیقات پژوهشی، میدانی یا استدلال های معقول صحیح است. پاسخ نخست: بله صحیح است چون ضمن کسب درآمد، باعث کاهش نوسانات بازار و جلوگیری از سوداگری در مسکن می شود (رضوی و دیگران، ۱۳۹۹). بر اساس این تحلیل، همان گونه که در تصویر زیر مشاهده می کنیم مسکن بر اساس آمار به جای وجه مصرفی، وجه سرمایه ای یافته است.



داده های سرشماری مرکز آمار (به نقل از عبداللهی درآباد، ۱۳۹۸)

پاسخ دوم: این تصمیم، تصمیمی کاملاً نادرست و شتابزده است. اولاً خرید مسکن معلول، آشفته گی های بازار و هراس از کاهش ارزش پول ملی است. دوم آیا تصمیم گیرندگان به خروج میلیاردهای ارز به کشورهای همسایه نظیر ترکیه^۱ عنایت

۱. بر اساس گفته مجتبی یوسفی عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی: «پس از نقش ایران در عدم سقوط دولت اردوغان در کودتا، این بار ایرانیان با خرید ملک، ترکیه را از ورشکستگی نجات دادند. از ۹۷ تا ۹۹ معادل ۷ میلیارد

دارند و سود و زیان حاصل این تصمیم را سنجیده‌اند؟

ب. تصمیم‌گیری در باره طول مدت مرخصی زایمان

پرسش: آیا افزایش مرخصی زایمان برای کارمندان زن^۱ تصمیم درستی بوده است؟ پاسخ نخست: کاملاً درست در جهت حقوق زنان و اهمیت خانواده و فرزندآوری است. بسیاری از کشورها دیگر هم چنین کرده‌اند. پاسخ دوم: تصمیم بسیار خوبی است اما آیا به پیامدهای این تصمیم هم اندیشیده شده است؟ مثلاً اینکه سازمان‌های دولتی و خصوصی بنا به همین دلیل دیگر کارمند زن استخدام نمی‌کنند یا آن را محدود کرده‌اند. آیا این تصمیم دوره آزمایشی خود را گذرانده است؟ چون به نظر می‌رسد مرخصی شش ماه، وقتی تبدیل به مرخصی طولانی‌مدت‌تری می‌شود، امکان اینکه کارمندان باسابقه، جایگاه و پست قبلی خویش را از دست بدهند، بیشتر است. آیا محاسباتی از این دست، در تصمیم‌گیری‌ها آمده است؟

ج. تصمیم‌گیری در باره حمایت از صنعت خودرو داخلی

پرسش: آیا قانون حمایت از صنعت خودرو داخلی و منع و محدودیت شدید برای خودروهای وارداتی درست است؟ چه استدلال‌های له و علیه آن وجود دارد؟ آیا بازخوردهای مختلف این مساله بررسی شده و نتایج آن منتشر شده است؟ و آیا مطابق با آن‌ها، تصمیمات جدیدی اتخاذ گردیده است؟ پاسخ نخست: این کار در جهت کمک به تولید ملی و جلوگیری از خروج ارز انجام شده و تصمیمی کاملاً درست است. پاسخ دوم: این تصمیم نادرست است زیرا تجربیات پیشین کشور و جهانی نشان می‌دهد، حمایت بدون برنامه‌ریزی و نظارت و در نبود رقابت، باعث انحصار و کاهش کیفیت محصولات صنعتی خواهد شد و آزموده را آزمودن خطاست.

دلار ارز برای خرید ملک در ترکیه از کشور خارج شده است» (ایسنا، ۱۱ مهر ۱۴۰۰) نگاه کنید:

یوسفی-۷-میلیارد-دلار-ارز-برای-خرید-ملک-در-<https://www.isna.ir/news/1400071106967/>

ترکیه-از-کشور-خارج

۱. همان گونه که می‌دانیم در برخی از کشورها برای مردان هم مرخصی زایمان در نظر گرفته می‌شود که خانواده در آرامش بهتری از فرزند خویش نگاه‌داری کنند و یا به فرزندآوری تشویق شوند.

د. تصمیم‌گیری در باره‌ی خودکفایی و خود اتکایی کشاورزی

پرسش: آیا ایده خودکفایی کشاورزی ایده‌ای است که می‌توان از دفاع کرد؟ بر اساس چه معیارهایی این ایده درست یا غلط است؟ آیا پیامدهای مثبت و منفی آن بر پرده افتاده است؟ پاسخ نخست: خودکفایی و خوداتکائی بحثی مربوط به امنیت ملی است و صیانت ملی ایجاب می‌کند که در محصولات استراتژیک مثل گندم بایستی به هر بهائی خودکفا شویم. پاسخ دوم: خودکفایی به مفهوم افراطی آن خلاف تجارب جهانی است. به دلیل تکثر و قطب‌های مختلف جهانی، امکان سلطه آن‌گونه که تصور می‌شود، وجود ندارد. افزون بر این، چنین نگرشی اساساً منابع آبی را نابود کرده است.^۱ خلاصه‌ای از آنچه در عرصه‌ی عمومی و سیاسی درباره این تصمیمات در جریان است، در جدول ذیل آمده است:

۱. مثلاً دیدگاه‌های کلانتری، حجتی و کشاورز طرفدار حمایت از تولید داخل با حفظ تعادل منابع آب و خاک و تأمین نهاده در صورت نیاز از خارج و کشت فرا سرزمینی هستند. در مقابل به نظر می‌رسد که مقابل این نگرش دیدگاه‌های افرادی نظیر اسکندری، خلیلیان و ساداتی نژاد (وزیر کنونی) است که طرفدار خودکفایی و تولید تمام و کمال تمامی فراورده‌های کشاورزی و دام و طیور در داخل هستند. این دو نگرش به صورت صف بندی شده در میان این دو طیف وجود دارد و هر طیف، نظر دیگری را مخالف منافع ملی می‌داند. (انصاری، ۱۴۰۱) برای تفصیل بیشتر این مطلب به پایگاه ذیل مراجعه کنید:

انصاری، م. (۱۴۰۱)، امنیت غذایی، خودکفایی در کشاورزی؛ دو دیدگاه، دو راهکار، پایگاه خبری، تحلیلی و تفسیری اقتصاد کشاورزی، /

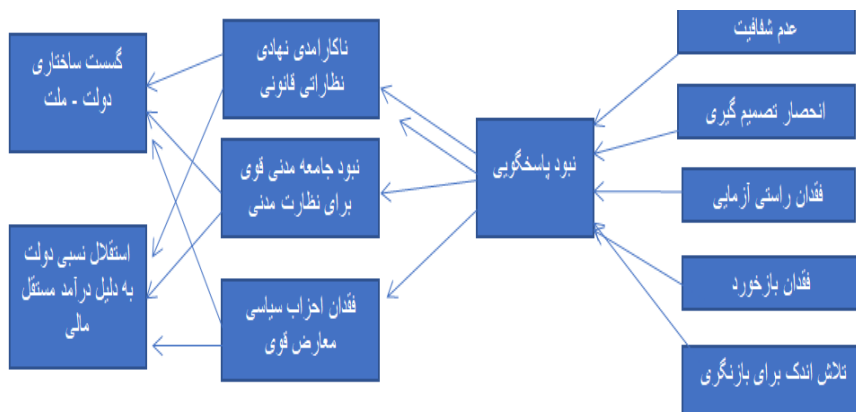
<https://keshavarziyandehjahan.ir/fa/yaddad/9447-تحلیل-روز-امنیت-غذایی-خودکفایی-در->

کشاورزی؛ دو-دیدگاه، دو-راهکار / .html

وجود دوره‌ی آزمایشی برای صحت‌سنجی	واکنش رسانه‌ها ^۱	واکنش احزاب سیاسی	واکنش جامعه مدنی	واکنش نهادهای ناظر حاکمیتی	نظریات مخالف	نظریات مؤید تصمیم	تصمیم سیاسی
خیر	زیاد	خیر	نامشخص	اندک	فرار سرمایه‌ها از کشور، خرید مسکن در کشورهای همسایه	جلوگیری از سوداگری و دلالی، برقراری عدالت	مالیات بر واحدهای مسکونی خالی
خیر	اندک	خیر	نامشخص	نامشخص	تبعیض در استخدام‌ها، محرومیت از برخی حقوق دیگر	کمک به فرزندآوری، حمایت از حقوق زنان	افزایش مرخصی زایمان
خیر	زیاد	انتقادات پراکنده	نامشخص	اندک	انحصار در تولید، کاهش کیفیت تولید به دلیل عدم رقابت	کمک به تولید ملی، جلوگیری از خروج ارز	حمایت از صنایع خودروساز داخلی
خیر	زیاد	انتقادات پراکنده	نامشخص	برخی گزارش‌های رسمی	ناپودی منابع آب، نداشتن صرفه اقتصادی	اهمیت کالای استراتژیک کشاورزی، بی‌نیازی از غرب	خودکفایی کشاورزی

نمودار ذیل، جان‌مایه‌ی آن چیزی است که در مقاله با ذکر مصادیق و شاخص‌ها به آن اشاره کرده‌ایم:

۱. با پیدایش شبکه‌های مجازی این تصور شکل گرفت که شاید با وجود شبکه‌های مجازی، بتوان نظارتی اعمال کرد اما کرختی دولت‌ها و نبودن ضمانت اجرایی برای این نظارت‌ها و بی‌اعتنایی دولت‌ها به این اخبار و نیز ممیزی‌های مختلف، این امکان را کم‌رنگ کرده است.



نتیجه گیری

چنانکه دیدیم و همچنانکه بسیاری از پژوهشگران نشان داده‌اند، مهمترین آسیب‌های تصمیم‌گیری در دولت، به فقدان شفافیت، نبود راستی‌آزمایی، بی‌اعتنایی یا کم‌اعتنایی به بازخوردها و تلاش اندک برای اصلاح و تغییر قوانین بر می‌گردد. اما نکته این است که همه‌ی اینها برآمده از فقدان پاسخگویی مدنی و اجتماعی است. اما این کاستی هم، «نشانه‌گان» پدیده‌های عمیق دیگری است؛ پدیده‌های نظیر گسست بین حکومت و مردم، فقدان جامعه مدنی قوی، نبود احزاب سیاسی کارآمد و استقلال نسبی دولت به دلیل تحصیل درآمد از طریق چیزهای غیر از مالیات (دولت تحصیل‌دار). برخلاف سایر پژوهش‌ها و مقالات که به شیوه‌ای انتزاعی، پراکنده و جزیره‌ای به این آسیب‌ها یا برخی از آنها اشاره کرده‌اند، این مقاله کوشیده است که بر اساس شواهد موجود، با ارائه سنجه‌ها و شاخص‌ها و نیز ذکر مصادیقی از این تصمیم‌گیری‌ها، نشان دهد که شفافیت، راستی‌آزمایی تصمیمات در خلاء پدید نمی‌آیند و همه این‌ها نیازمند سازوکارهای دموکراتیک به ویژه جامعه مدنی قوی هستند تا همچون خرده‌قدرت‌های کوچک‌تر، قدرت بزرگ‌تر یعنی دولت را به پاسخگویی وادارند و نیز وجود احزاب سیاسی قدرتمند و قانونی مخالف، که با ایجاد بسترهای رقابتی و چندوچون بسیار در تصمیمات رقبای خویش در دولت، زمینه‌های انحصار و خودرأی در تصمیم‌گیری را به حداقل برسانند و با آموزش هواداران و شهروندان، ضمن حمایت از شبکه‌ها و رسانه‌های قوی اجتماعی و سیاسی، بستری برای چند و چون و سنجشگری نیز در افکار عمومی ایجاد کنند. و از سوی دیگر، انگیزه‌های لازم را برای نهادهای حاکمیتی ناظر فراهم آورند که با فاصله

گرفتن از منافع جناحی، شخصی، بورکراتیک یا ایدئولوژیک^۱، به وظائف قانونی خویش، که یکی از مهمترین آنها، فشار بر نهاد دولت برای واداشتن آن به پاسخگویی و نیز سنجش‌گری عملکردها و تصمیمات سیاسی است، اهتمام ورزند.

۱. متأسفانه شایعاتی وجود دارد که برخی از افراد در نهادهای حاکمیتی ناظر از آن ابزار در جهت کاری به غیر از وظائف قانونی خود بهره می‌برند مثلاً در افواه این سخن هست که برخی از نمایندگان بنا به مصالح حوزه‌ی انتخابیه خود یا مصالح شخصی یا مصالح سیاسی و ایدئولوژیک، سوال و تذکر یا تقاضای استیضاح از وزیری را پس گرفته‌اند یا برعکس از این ابزار استفاده نامناسب کرده‌اند. روشن است که این شایعات را به دلیل خصلت پنهانی، تفسیری یا ذهنی آن، به شیوه‌ای عینی نمی‌توان راستی آزمایی کرد اما امکان آن را در نبود عملی نهادهای ناظر و رقیب دیگر نمی‌توان منکر شد.

منابع

الف) فارسی

- ابوحمزه، د. و آقاجانی معمار، ا. و سبحانیان، س. (۱۳۹۷)، آسیب شناسی قانون هدفمند کردن یارانه‌ها؛ از منظر مبانی نظری و اجرای آن، مجلس و راهبرد سال ۲۵، شماره ۹۴. اسلامی، ر. ا. و تاجی، س. (۱۳۹۸). آسیب شناسی سیاستگذاری موسیقی در جمهوری اسلامی ایران. سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۴، ۲۶۱-۲۷۹
- اظهارنظر کارشناسی درباره: طرح نسخ قانون تغییر ساعت رسمی کشور، گزارش برای صحن علنی مجلس، دوره یازدهم، سال اول شماره مسلسل ۱-۳۱۰۱۷۵۰۴، بیست و یکم اسفند ۱۴۰۰ آدرس وب:
- انصاری، م. (۱۴۰۱)، امنیت غذایی، خودکفایی در کشاورزی؛ دو دیدگاه، دو راهکار، پایگاه خبری، تحلیلی و تفسیری اقتصاد کشاورزی، /
<http://rc.majlis.ir/fa/report/show/1742119>
<https://keshavarziyandehjahan.ir/fa> یادداشت/۹۴۴۷-تحلیل-روز-امنیت-غذایی،-
خودکفایی-در-کشاورزی؛-دو-دیدگاه،-دو-راهکار.html/.
- آسیب شناسی قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران (ویرایش دوم) (۱۳۹۸)، شماره مسلسل ۱۶۰۸، معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی، دفتر مطالعات حقوقی، ۱-۷۰
- رحمانی زاده دهکردی، ح. و پدرام، س. (۱۳۸۱)، مجلس و پژوهش، سال نهم، ۸۵-۹۵
- رحیمیان، ف. (۱۳۹۷). آسیب شناسی سیاستگذاری جمعیتی جمهوری اسلامی ایران. مجله جمعیت، دوره ۲۵، شماره ۱۰۵ و ۱۰۶، ۱۵۱-۱۲۷.
- رضوی، م.، ایزدخواستی، ح. و دستجردی، و. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر نرخ مالیات بر مسکن‌های خالی در اقتصاد ایران: رویکرد مدل‌سازی تشریحی ساختاری (ISM) اقتصاد شهری، دوره ۵ شماره ۲، ۱-۱۸.
- عبدالحسین زاده، م. (۱۳۹۹). تبیین مفهوم و کاربرد شفافیت در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی. سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۸، شماره ۳۰، ۱۷۸-۲۰۶
- قانون تغییر ساعت رسمی کشور (۱۳۸۶)، در پایگاه مجلس شورای اسلامی، به آدرس ذیل
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/98011>
- قانون نسخ قانون تغییر ساعت رسمی کشور (۱۴۰۱)، در پایگاه مجلس شورای اسلامی، به آدرس ذیل
<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1745106>
- قوام، ع. و مالمیر، م. (۱۳۹۳). ارائه یک مدل تحلیلی برای بررسی شکاف دولت-ملت

حمیدرضا رحمانی زاده دهکردی | ۱۹۳

(الگویابی روابط بین دولت و جامعه). پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۰، شماره ۱، ۱۹۷-۱۵۷

کمالی، ی.، شیخ زاده جوشانی، ص.، و کریمی زاده، م. (۱۴۰۱). فراترکیب آسیب‌های سیاستگذاری توسعه صنعتی در ایران (۱۳۷۰-۱۳۹۷). فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۳۵، شماره ۱.

لایحه هدفمندکردن یارانه‌ها (۱۳۸۷)، شماره ثبت ۲۵۷، شماره اجلاس: ۵۵ در پایگاه مجلس شورای اسلامی به آدرس ذیل

: https://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/720654

محمدی، ت. (۱۳۸۸)، تحلیل تاثیر عدم تغییر ساعت رسمی کشور بر مصرف انرژی الکتریکی (مطالعه موردی محدوده شرکت برق منطقه‌ای تهران)، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۱، ۲۶۳-۲۸۹.

مرتب، ی.، و یآوری، و. (۱۴۰۰). شناسایی معیارهای ارزیابی شفافیت در مجلس شورای اسلامی. مطالعات مدیریت دولتی ایران، دوره ۴، شماره ۱، ۳۵-۶۲

مروری بر تجربیات موفق سایر کشورها در خصوص تغییر ساعت رسمی، (۱۳۸۵)، مرکز پژوهش‌ها مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۸۱۷۴

مشیرزاده، ح. (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی سیاستگذاری خارجی: مبانی نظری، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۱، ۲۷-۹

مقتدائی، م.، و ازغندی، ع. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۴، ۷-۲۶.

منظور، د.، و عباسی کلاش، م. (۱۳۹۸). نقش شفافیت در کاهش تعارض منافع و مقابله با فساد در کشور. فصلنامه سیاستهای مالی و اقتصادی، دوره ۷، شماره ۲۷، ۸۷-۱۰۳

نرگسیان، ع.، و جمالی، ق. (۱۳۹۸). وضعیت شفافیت در سازمانهای حاکمیتی ایران. دولت‌پژوهی، دوره ۵، شماره ۱۸، ۲۰۹-۲۴۳.

ب) انگلیسی

Hayek, F. A. (2009). The use of knowledge in society. In *Knowledge management and organizational design*, Routledge.7-15

Klitgaard, R. (1991). Controlling Corruption. University of California Press.

Larreguy, H., Marshall, J., & Snyder Jr, J. M. (2020). Publicizing malfeasance: when the local media structure facilitates electoral accountability in Mexico. *The Economic Journal*, 130(631), 2291-2327.

Paul, R., & Elder, L. (2016). The Thinker's Guide to The Art of Socratic Questioning. The Foundation for Critical Thinking.

Staerklé, C. (2015). Political psychology. *International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences*, 18, 427-433.

استناد به این مقاله: رحمانی زاده دهکردی، حمید رضا. (۱۴۰۱). پیش درآمدی بر آسیب شناسی تصمیم گیری در نهادهای حاکمیتی با تأکید بر دولت. دولت پژوهی، ۸(۳۰)، - . doi: 10.22054/tssq.2022.70099.1325



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



جناب آقای

دکتر محمود احمدی نژاد

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

در اجراء اصل یکم ذویبیست و سوم (۱۳۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون تغییر ساعت رسمی کشور که با عنوان طرح یک فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود ، با تصویب در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۳۱/۵/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ارسال می گردد.

غلامعلی حدادعادل

رئیس مجلس شورای اسلامی

قانون تغییر ساعت رسمی کشور ماده واحده - ساعت رسمی کشور هر سال در ساعت ۲۴ روز اول فروردین ماه یک ساعت به جلو کشیده می شود و در ساعت ۲۴ روز سی ام شهریورماه به حال سابق برگردانده می شود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ سی و یکم مردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۱/۶/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید.

غلامعلی حدادعادل

رئیس مجلس شورای اسلامی

پیوست یک. قانون تغییر ساعت رسمی کشور (۱۳۸۶)

۱۹۶ | فصلنامه دولت پژوهی | سال هشتم | شماره ۳۰ | تابستان ۱۴۰۱

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

در اجرای اصل یکمصد و بیست و سوم (۱۳۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون نسخ قانون تغییر ساعت رسمی کشور که با عنوان طرح تغییر ساعت رسمی کشور به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود، با تصویب در جلسه علنی روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ و تأیید شورای محترم نگهبان به پیوست ابلاغ می شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی - محمدباقر قالیباف

شماره ۳۱۶۷۸
۱۴۰۱/۱۲/۱۰

وزارت نیرو - سازمان برنامه و بودجه کشور

سازمان اداری و استخدامی کشور

در اجرای اصل یکمصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی به پیوست «قانون نسخ قانون تغییر ساعت رسمی کشور» که در جلسه علنی روز شنبه مورخ دهم اردیبهشت ماه یکهزار و چهارصد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۱۱۳۵۳۹-۳۶۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده، جهت اجرا ابلاغ می گردد.

رئیس چهارم - سیدابراهیم رئیسی

قانون نسخ قانون تغییر ساعت رسمی کشور

ماده واحده به قانون تغییر ساعت رسمی کشور، مصوب ۱۳۸۶/۵/۲۱ نسخ می گردد و دولت مجاز به تغییر ساعت رسمی کشور نیست. به هیأت وزیران اجازه داده می شود مطابق ماده (۸۷) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی، نسبت به تنظیم ساعات کار ادارات، سازمان ها و مراکز تابعه اقدام نمایند.

تفسیر - این قانون از تاریخ ۱۴۰۲/۱/۱ لازم الاجرا می شود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه علنی روز شنبه مورخ دهم اردیبهشت ماه یکهزار و چهارصد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - محمدباقر قالیباف

پیوست دوم. قانون نسخ قانون تغییر ساعت رسمی کشور